

دونالد ترامپ، چهره‌ای جنجالی در عرصه سیاست و اقتصاد آمریکا، برای بسیاری از تحلیلگران یک معماست؛ چگونه فردی با سابقه شکست‌های متعدد اقتصادی توانسته است خود را در افکار عمومی به‌عنوان نماد «تاجر موفق» تثبیت کند؟ پاسخ به این پرسش، تنها در تحلیل شاخص‌های مالی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه باید عملکرد رسانه‌ها، ساختار حقوقی سرمایه‌داری آمریکایی، و قدرت برندسازی شخصی را نیز در نظر گرفت. این نوشتار تلاش دارد با تکیه بر داده‌های معتبر و نگاهی همه‌جانبه، تصویری واقع‌بینانه از کارنامه اقتصادی دونالد ترامپ ارائه دهد. دونالد ترامپ در سال ۱۹۷۱ کسب‌وکار خانوادگی‌اش را در شرکت Trump Organization به‌دست گرفت؛ شرکتی که عمدتاً در حوزه ساخت‌وساز و مستغلات فعال بود. برخلاف ادعای وی مبنی بر «خودساخته بودن»، بر اساس گزارش‌های نیویورک تایمز، ترامپ از پدرش، فرد ترامپ، بیش از ۴۱۳ میلیون دلار دارایی دریافت کرده بود که بخش عمده‌ای از آن از طریق شیوه‌های مالیاتی مشکوک منتقل شده بود. یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های ناکامی اقتصادی او، سرمایه‌گذاری در صنعت کاربنوها در آتلانتیک‌سیتی بود. بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۹، ترامپ حداقل شش بار اعلام ورشکستگی کرد؛ از جمله در پروژه معروف Taj Mahal که تنها یک سال پس از افتتاح در سال ۱۹۹۱، با بدهی حدود ۳ میلیارد دلاری مواجه شد. در سال ۲۰۰۴ نیز شرکت Trump Hotels & Casino Resorts ورشکست شد و حدود ۹۰ درصد از سرمایه سهام‌داران از بین رفت. درحالی‌که ترامپ این شکست‌ها را «استفاده هوشمندانه از قانون» توصیف می‌کند، واقعیت این است که او بار مالی این شکست‌ها را به سرمایه‌گذاران و بانک‌ها منتقل کرده و خود با تکیه بر خلأهای قانونی از آسیب‌های اساسی گریز کرده است. از طرفی در دهه ۲۰۰۰، ترامپ مسیر فعالیت‌های اقتصادی‌اش را از توسعه فیزیکی املاک به‌سوی فروش «برند شخصی» تغییر داد. به‌جای ساخت‌وساز مستقیم، او نام خود را در قالب مجوزهای برند (Licensing) به پروژه‌های مختلف اجاره می‌داد. این مدل، با ریسک پایین و سود ظاهری بالا، خلق درآمد‌های مقطعی را موجب شد اما تولید واقعی در اقتصاد ایجاد نکرد. بر اساس افشای مالی سالانه ترامپ در دوران ریاست جمهوری‌اش، وی بیش از ۳۰۰ شرکت ثبت‌شده به نام خود داشت که بسیاری از آن‌ها غیرفعال یا زیان‌ده بودند. به نوشته مجله فوربس Forbes، در سال ۲۰۱۵ حدود ۲۳۰ میلیون دلار از درآمد ترامپ از محل فروش نام تجاری‌اش به‌دست آمده بود، نه از فعالیت‌های مولد اقتصادی. نقش رسانه در خلق چهره‌ای موفق از ترامپ، انکارناپذیر است. برنامه تلویزیونی The Apprentice از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ با حضور ترامپ پخش می‌شد، به تثبیت تصویر یک «تاجر مقتدر و موفق» کمک زیادی کرد. شعار مشهور You're fired تبدیل به نماد قاطعیت او در مدیریت شد. اما داده‌های واقعی مالی، روایتی متفاوت ارائه می‌دهند. گزارش تحقیقی New York Times در سال ۲۰۲۰ افشای کرد که ترامپ در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ تنها ۷۵۰ دلار مالیات بر درآمد پرداخت کرده است. همچنین وی طی یک دهه بیش از ۴۰۰ میلیون دلار ضرر مالی اعلام کرده است. بدیهی‌های شخصی و شرکتی ترامپ تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۴۲۱ میلیون دلار می‌رسید که بخش مهمی از آن مربوط به بانک‌های خارجی، به‌ویژه بانک‌های آلمانی، بود. این واقعیت‌ها نه‌تنها تصویر مالی او را زیر سؤال برد، بلکه در انتخابات ۲۰۲۰ نیز نگرانی‌هایی درباره وابستگی احتمالی وی به نهاد‌های خارجی ایجاد کرد. ترامپ در دوران ریاست جمهوری‌اش (۲۰۱۷–۲۰۲۱) با ادعای «بازسازی عظمت اقتصادی آمریکا» وارد عرصه شد. مهم‌ترین اقدامات او کاهش مالیات شرکت‌ها، مقررات زدایی‌گسترده و اتخاذ سیاست‌های حمایتی در حوزه تجارت را شامل می‌شد. در ظاهر، شاخص بورس داو جونز تا پیش از بحران کرونا در فوریه ۲۰۲۰، حدود ۵۵ درصد رشد کرد. اما این رشد عمدتاً در سود شرکت‌های فناوری انعکاس یافت و طبقات کارگر و متوسط آمریکا از آن بهره‌چندانی نبردند. در همین حال، بدیهی ملی آمریکا از حدود ۱۹.۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۷ به بیش از ۲۷ تریلیون دلار در پایان سال ۲۰۲۰ رسید. اصلاحات مالیاتی ترامپ بر اساس برآورد دفتر بودجه کنگره (CBO) باعث کاهش ۱.۹ تریلیون دلاری در درآمد دولت شد، بدون اینکه رشد معناداری در تولید ناخالص داخلی حاصل شود. ترامپ برخلاف روسای جمهور پیشین، مرز بین اقتصاد و سیاست را عملاً از میان برداشت. از تحریم‌های گسترده علیه ایران گرفته تا جنگ تجاری با چین، تهدید به خروج از ناتو و اعمال تعرفه‌های سنگین علیه اتحادیه اروپا، همگی نشان‌دهنده ورود سیاست‌های ایدئولوژیک به حوزه اقتصاد بودند. جنگ تجاری با چین که از سال ۲۰۱۸ آغاز شد، به‌ویژه برای مصرف‌کنندگان آمریکایی هزینه‌زا بود. پژوهشی مشترک از دانشگاه MIT و دانشگاه هاروارد نشان داد که این جنگ تجاری باعث افزایش میانگین ۸ درصدی قیمت کالاها شد، بی‌آنکه مزیت رقابتی بلندمدتی برای تولید داخل ایجاد کند از سوی دیگر ترامپ در معنای سنتی، یک تاجر موفق به‌شمار نمی‌رود. او پروژه‌های متعدد ناموفق را تجربه کرد، چندین بار به ورشکستگی کشیده شد، و در بسیاری از موارد از مسیرهای غیرمولد ثروت‌اندوزی کرد. اما در برندسازی، بهره‌برداری از خلأهای حقوقی و تسلط بر بازی رسانه‌ای، عملکردی کم‌نظیر داشت. در نهایت، دونالد ترامپ را می‌توان بیشتر یک پدیده رسانه‌ای دانست تا یک بازیگر برجسته اقتصادی؛ چهره‌ای که توانست دردل نظام سرمایه‌داری آمریکایی، تصویری اغواگر و قدرتمند از خود بیافریند؛ در حالی‌که آنچه در پشت پرده قرار داشت، چیزی جز بدهی، شکست و روایت‌های وارونه نبود.

مهدی بازوی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

اگر عقلانیت را جایگزین هیجان نکنیم

باید تماشاگر توسعه

کشورهای منطقه باشیم

سفر ترامپ به خاورمیانه به ما نشان داد که باید به فکر منافع ملی خود باشیم

اگر به دنبال عظمت ملت ایران هستیم باید یک اقتصاد قوی داشته باشیم



آرمان ملی- احسان انصاری: سفر رئیس‌جمهور آمریکا به خاورمیانه اگر چه با حواشی و اظهارات خصمانه علیه ایران در عربستان همراه بود اما پیشتر یک سفر اقتصادی و با اهداف اقتصادی بود که به نظر می‌رسد دستاوردهای مهمی نیز برای آمریکا و سه کشور عربستان، قطر و امارات داشته است. ترامپ در این سفر قراردادهایی به ارزش ۶۰۰ میلیارد دلار با عربستان سعودی و توافقاتی به ارزش ۲۴۳ میلیارد دلار با قطر و عقد قراردادهایی به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار با امارات عربی متحده بست. در این توافق‌ها، فناوری هوش مصنوعی جایگاه برجسته‌ای دارد و در کنار آن، سرمایه‌گذاری‌هایی در حوزه‌های هوافضا، انرژی و دیگر بخش‌های صنعتی نیز به چشم می‌خورد. در واقع دونالد ترامپ سفر خود به خاورمیانه را با

«مهم‌ترین اهداف و دستاوردهای اقتصادی سفر ترامپ به خاورمیانه چه بود و وی به چه میزان به اهداف خود دست پیدا کرد؟

سفر ترامپ به خاورمیانه در راستای منافع ملی آمریکا بوده‌است. به‌صورت طبیعی هر کشوری به دنبال این است که منافع ملی خود را حداکثری کند که در سفر رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه نیز همین هدف دنبال شده است. نکته مهمی که این سفر به ما گوشزد کرد این بود که ما باید در داخل کشور دست به اصلاحات اقتصادی بزنیم. اگر همین امروز یک شرکت آمریکایی و یا اروپایی قصد داشته باشد در ایران سرمایه‌گذاری کند به پیش نیازها و زمینه‌هایی برای این سرمایه‌گذاری نیاز دارد. نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که در آن برق مشکل داشته باشد، محیط زیست و تأسیسات زیربنایی مشکل داشته باشد و انتظار داشته باشیم سرمایه‌گذاران بزرگ دنیا در ایران سرمایه‌گذاری کنند. نکته‌ای که باید از سفر ترامپ و اتفاقاتی که در این چند روز رخ داد مورد توجه قرار گیرد این است که باید به فکر منافع ملی خود باشیم. واقعیت این است که در شرایط کنونی نظام تصمیم‌گیر ما باید به این مهم توجه ویژه داشته باشد. ما باید از دنیای اتوپیاپی خارج شویم و روی زمین بایسیم تا واقعیت را بهتر ببینیم. اگر ما نیز هیجانات را کنار بگذاریم و عقلانیت را بر نظام تصمیم‌گیر اقتصادی و اجتماعی خود حاکم کنیم، می‌توانیم به دنبال تحقق منافع ملی خود باشیم.

«اصلاحات اقتصادی مورد نظر شما چه ویژگی‌هایی دارد و چه زمینه‌هایی برای تحقق آن نیاز است؟

در مرحله نخست باید صادقانه واقعیت‌ها را درک کنیم. به عنوان مثال نظام بانکی ما با نظام بانکی دنیا ۳۰ سال فاصله دارد و عقب‌تر است. ما باید قوانین بین‌المللی را در دستور کار خود قرار بدهیم و همراه با تحولات جهانی حرکت کنیم. در روزهای اخیر پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد که به نظر من اقدام مثبتی است و می‌تواند پیامدهای خوبی برای ما به همراه داشته باشد. ما باید قوانین بین‌المللی را بیذیریم تا سیستم بانکی ما بتواند با سیستم بانکی بین‌المللی همکاری کند. در هفته‌های اخیر مذاکرات بین ایران و آمریکا درباره پرونده هسته‌ای ایران برگزار شده که من معتقدم در نهایت به نتیجه می‌رسد و طرفین با هم توافق می‌کنند. این رویکرد نیز مثبت است و می‌تواند پیامدهای خوبی برای کشور در عرصه جهانی داشته باشد. در همه کشورهای جهان ساعت‌های خود

آمارها و ارقام به ما نشان می‌دهد که اگر ما به دنبال عظمت ملت ایران هستیم باید یک اقتصاد قوی داشته باشیم. اقتصاد قوی نیز در سایه تصمیمات بخردانه و مبتنی بر عقلانیت به دست خواهد آمد

حشمت... فلاح ت پیشه:

مذاکره با اروپایی‌ها سودی ندارد

اکنون، پس از پنج سال فرصت‌سوزی از سوی جریان‌های رادیکال داخلی، دولت پزشکیان ناچار است وارد گفت‌وگویی ناابرار شود. همان‌طور که ترامپ نگاهی ابزاری به مذاکرات دارد، ایران نیز از دیدگاه ابزاری‌تری تلقی می‌شود. تنها یک بار رویبو به موضع فرانسه اشاره کرد که آن هم برای افزایش فشار بر ایران بود. وی افزود، در حال حاضر، دیپلماسی اروپا نیز علیه ایران فعال شده و ایران تلاش می‌کند با

گرفته می‌شود که نتیجه آن وابستگی کشور خواهد بود. اگر امروز فرض بگیریم که میزان صادرات نفت ما به صفر برسد ما دیگر هیچ نقشی در تحولات جهانی نخواهیم داشت. شرایط کشورهای دنیا نیز به شکلی نیست که نتوانند بدون اقتصاد ایران زندگی کنند و بلکه خیلی زود راه‌های جایگزین آن را پیدا خواهند کرد. ما نیازمند تصمیمات شجاعانه هستیم و باید بی‌ذیریم که در چه مسیرهایی اشتباه کردیم و آنها را اصلاح کنیم. اگر ایران به جامعه جهانی بازگردد و حتی رابطه اقتصادی خود را با آمریکا از سر بگیرد در نهایت به سود منافع ملی مردم ایران است.

«به نتیجه رسیدن توافق هسته‌ای به چه میزان می‌تواند راه برای تعامل با کشورهای جهان هموار کند؟ بدون تردید اگر توافقی بین ایران و آمریکا صورت بگیرد که من فکر می‌کنم در نهایت نیز چنین اتفاقی رخ خواهد داد می‌توان نسبت به آینده خوشبین بود. این در حالی است که پس از این اتفاق زمینه برای لغو تحریم‌های بین‌المللی ایران نیز به وجود خواهد آمد. ارتباط با کشورهای جهان تنها ارتباط با روسیه و چین نیست و بلکه کشورهای جهان شامل همه کشورهایی هستند که ارتباط با آنها می‌تواند به منافع ملی ما کمک کند. یکی از رقبای منطقه‌ای ما عربستان است که بن سلمان با رغم اینکه با آمریکا نهایت ارتباط اقتصادی را دارد با چین نیز قراردادهای سنگین و بلندمدت اقتصادی می‌بندد. در واقع عربستان در سال‌های اخیر توازن را بین شرق و غرب برقرار کرده و از موقعیتی که در این زمینه به دست آورده استفاده می‌کند. به همین دلیل در شرایط کنونی اقتصاد ایران تفکری که به دنبال گسترش تحریم و دور زدن تحریم‌هاست نمی‌تواند به کشور کمک کند. فسادهایی که در شرایط کنونی در کشور هست ریشه در دور زدن تحریم‌ها دارد. کاسبان تحریم در کشور قطعاً‌ای را تشکیل داده‌اند که من نام آن را طبقه نوکیسه‌داشت‌ام. این نوکیسه‌ها به واسطه همین تحریم‌ها به ثروت‌های نجومی در کشور رسیده‌اند. تفکری که تندروها دارند باعث شده ایران از جهان اطراف خود جدا شود. در برنامه‌های توسعه قرار بوده رشد اقتصادی در ایران ۸ درصد افزایش پیدا کند. در حالی است که هنوز این اتفاق رخ نداده و تندروها با تفکر و افسکار ایانه اجازه چنین کاری به کشور نداده‌اند. زمانی رشد ۸ درصدی در اقتصاد کشور رخ می‌دهد که تکنولوژی وجود داشته باشد. با تکنولوژی ابتدایی، توسعه نیافته و سنتی نمی‌توان به این اندازه از نرخ رشد دست پیدا کرد.

پالرمو در مجمع تشخیص تصویب شد که اقدام مثبتی است و می‌تواند پیامدهای خوبی داشته باشد. باید قوانین بین‌المللی را بی‌ذیریم تا سیستم بانکی ما بتواند با سیستم بانکی بین‌المللی همکاری کند

ترامپ اکنون شامل فعال‌سازی مکانیزم ماشه نیز شده است. او نیازی به همراهی بازیگران شرقی و غربی نمی‌بیند و تلاش می‌کند به توافقی کلی دست باید که برجام را تحت الشعاع قرار دهد. وی بیان کرد، مواضع امانوئل مکرون نیز در همان چارچوب مواضع کلی اروپا از زمان خروج ترامپ از برجام قابل تحلیل است. گرچه در آن زمان برخی مواضع انتقادی از سوی اروپا مطرح شد، اما اقدامی عملی از سوی آنها شاهد نبودیم. مذاکره کنونی ایران با اروپا، بخشی دیگر از سیاست انفعالی کشور است. مذاکره با اروپا شاید ضرری نداشته باشد، اما سودی هم در پی نخواهد داشت.

اجلاسیه دوم مجلس دوازدهم و چالش‌ها

جای خالی زنان در هیأت رئیسه مجلس

دوازدهمین دوره مجلس دوشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۳ در شرایطی آغاز به کار کرد که زنان نماینده از مجموع ۲۹۰ کرسی این مجلس، ۱۴ کرسی را به خود اختصاص دادند، الهام آزاد، سارا فلاحتی، فاطمه محمدبیگی، فاطمه مقصودی، زهرا سعیدی، سمیه رفیعی و زهره سادات لاچوردی، زهرا خدادادی، مریم عبداللهی، شهن جهانگیری، عالیه زمانی کیارسی، فاطمه جراره، بهشید برخوردار و زینب قیصری ۱۴ نماینده زنی هستند که توانستند با کسب اعتماد رای دهندگان حوزه انتخابیه خود به مجلس دوازدهم راه پیدا کنند. نیمی از زنان نماینده دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که تا چند روز دیگر نخستین سال فعالیت خود را پشت سر می‌گذارند، از سابقه نمایندگی برخوردار هستند و برخی همچون زهرا خدادادی، مریم عبداللهی، شهن جهانگیری، عالیه زمانی کیارسی، فاطمه جراره، بهشید برخوردار و زینب قیصری جزو بانوانی شناخته می‌شوند که برای نخستین بار سابقه نمایندگی را در کارنامه خود دارند. از نکات قابل توجه در این زمینه، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که از جمع رای دهندگان زرتشتی برای نخستین بار یک نماینده زن اقلیت (بهشید برخوردار) توانست از حوزه اقلیت‌های دینی و مذهبی، ردای نمایندگی این گروه از هموطنان را برتن کند.

«دخترخبر برای هیأت رئیسه

در سال اول فعالیت مجلس دوازدهم نیز هیچ یک از بانوان نماینده نتوانستند به هیأت رئیسه مجلس راه پیدا کنند. همزمان با نزدیک شدن به انتخابات هیأت رئیسه مجلس در اجلاسیه دوم که اوایل خرداد ماه برگزار می‌شود، گمانه‌زنی‌ها درباره افرادی که قصد تصاحب کرسی هیأت رئیسه مجلس را دارند، بیشتر شده است. در این میان نام تعدادی از زنان نماینده برای آزمون شانس خود برای کسب یکی از ۱۲ کرسی هیأت رئیسه که متشکل از یک رئیس، ۲ نایب رئیس، ۶ دبیر و ۳ ناظر است به چشم می‌خورد و طبق گفته‌های رئیس فراکسیون زنان مجلس تاکنون سه نماینده زن برای حضور در هیأت رئیسه مجلس اعلام آمادگی کرده‌اند. فاطمه محمدبیگی ضمن بیان این مطلب، گفت: زنان نماینده هیچ چیزی کمتر از آقایان ندارند و حتی در برخی مواقع و موضوعات پیشیناز پرچم‌دار نیز هستند. حضور زنان در هیأت رئیسه می‌تواند در تنظیم لایوح و طرح‌ها و اولویت‌بخشی به مسائل حوزه زنان و خانواده و پرنگ شدن حکمرانی فرهنگی و اجتماعی این قشر از جامعه مؤثر باشد. وی با اشاره به اینکه فعلا دو یا سه نفر از خانم‌ها تمایل خود را برای حضور در انتخابات هیأت رئیسه مجلس اعلام کرده‌اند، گفت: البته در این زمینه گفت‌وگوها در حال انجام هست، ان شاء... ببینیم که تا اجلاسیه دوم چند نفر خواهد حضور در هیأت رئیسه هستند. بهشید برخوردار نماینده زرتشتیان در مجلس و عضو فراکسیون زنان نیز درباره اهمیت حضور زنان در ترکیب هیأت رئیسه مجلس می‌گوید: این حضور می‌تواند در پیگیری بهتر موضوعات مربوط به حیطه زنان بسیار مؤثر باشد. همچنین قطعاً ترکیبی از خانم‌ها و آقایان در هیأت رئیسه مجلس مدیریت بهتری را برای صحن به همراه خواهد داشت. الهام آزاد نماینده مردم تاتین و عضو فراکسیون زنان مجلس هم در این باره می‌گوید: زن در این مایحانه است و از یک قوه استعداد، استدلال و ذهنیت بالایی برخوردار است و معتقدیم در جامعه اسلامی زنان پایه‌ای مردان و ۲۰ بازوی تکامل جامعه اسلامی هستند و باید از این ظرفیت‌ها استفاده شود.

۱۳۵۰ در دوازدهم دوره

بررسی تاریخچه ادوار مجلس نشان می‌دهد که تاکنون و طی ۱۲ دوره مجلس، ۱۲۵ زن به عنوان منتخب مردم به مجلس راه یافته‌اند؛ در دوره اول تا سوم مجلس ۸ نفر، در دوره چهارم ۹ نفر، در دوره پنجم ۱۴ نفر، در دوره ششم ۱۲ نفر، در دوره هفتم ۱۳ نفر، در دوره هشتم ۸ نفر، در دوره نهم ۹ نفر، دوره دهم ۱۲ نفر و در دوره یازدهم ۱۶ زن به عنوان نمایندگان مردم در مجلس حضور داشته‌اند و در دوره دوازدهم نیز ۱۴ نفر از زنان در هرم سبز بهارستان به ایفای نقش نمایندگی مردم مشغول هستند. همچنین در بررسی اعضای هیأت رئیسه‌های مجالس پیشین نام دو نماینده ادوار یعنی سهیلا جلودارزاده و شهریانو آمانی به چشم می‌خورد؛ جلودارزاده که سابقه نمایندگی مجلس در ادوار پنجم، ششم، هفتم و دهم را در کارنامه سوابق خود دارد، در دوره ششم به مدت ۵ سال به عنوان عضو هیأت رئیسه (منشی) فعالیت کرد. شهریانو آمانی که نیز سابقه نمایندگی مجلس در ادوار پنجم و ششم را داشت، دومین زنی بود که در کنار سهیلا جلودارزاده در مجلس ششم موفق به حضور در جایگاه هیأت رئیسه شد. یکی دیگر از نکات حائز اهمیت این است که زنان نماینده مجلس هیچ‌وقت در طول دوازده دوره مجلس نتوانسته‌اند ریاست کمیسیون‌های تخصصی را عهده‌دار شوند، اما در دوره‌های مختلف، فقط توانسته‌اند ریاست فراکسیون‌های تخصصی، نواب رئیسی یا جایگاه‌های مختلف هیأت رئیسه کمیسیون‌های تخصصی مجلس را به دست آورند.